چهارشنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۳
شماره ۴۲۷۲
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

اعتراف بزرگ رئیس‌جمهور اوکراین نشان داد، اروپا در ماجرای موشک‌های ایرانی دروغ می‌گوید

حتی زلنسکی هم فهمید

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

ادعای کمک موشکی ایران به روسیه بارها توسط ایران و روسیه رد شد. حتی رئیس جمهور اوکراین که بارها این ادعا را تکرار کرده بود نیز شهریور امسال اعتراف کرد مدرکی برای تأیید ارسال موشک‌های ایران به روسیه ندارند. با این وجود ادعاها درمورد کمک موشکی ایران به روسیه در چند ماه اخیر بار دیگر در فضای سیاسی و رسانه‌ای غربی‌ها بازتاب پیدا کرد تا حدی که تروئیکای اروپایی با تحریم ایران ایر به آن واکنش نشان دادند. این ادعای جعلی بار دیگر در طی روزهای اخیر توسط زلنسکی رد شد. رئیس جمهور اوکراین با گفتن اینکه «ایران هنوز موشکی در اختیار روسیه قرار نداده است.» جعلی بودن روایات غربی را تأیید کرد. او البته مدعی شد که دو کشور در حال گفت‌وگو در این باره هستند. با وجود این اعترافات این گزاره اثبات می‌شود که ادعای ارسال موشک از ایران به روسیه اهداف سیاسی دیگری را دنبال می‌کند.

دروغ گوبلزی-رویترزی

بزرگ‌ترین دروغ در مورد ماجرای تبادل موشکی ایران و روسیه را خبرگزاری رویترز مطرح کرد. پس از آنکه این رسانه ادعا کرد ایران ۴۰۰ موشک بالستیک به روسیه تحویل داده است سخنگوی شورای امنیت کاخ سفید از تأیید این ادعا سر باز زد و در واکنش به آن گفت: «ما هیچ تأییدی مبنی بر انتقال موشک از ایران به روسیه مشاهده نکرده‌ایم.» یک هفته پس از این اعتراف، جو بایدن نیز تلویحا به جعلی بودن ادعای تحویل موشک از ایران به روسیه اعتراف کرد. رئیس جمهور آمریکا تهدید کرد که «اگر ایران به ارائه موشک‌های بالستیک یا فناوری مرتبط به روسیه ادامه دهد، اقدامات جدید و قابل توجهی علیه تهران انجام خواهیم داد.» علی‌رغم این اعترافات دو ماه و نیم بعد در اواسط خرداد ماه سال جاری سران G7 بار دیگر بدون ارائه هیچ‌گونه سندی ادعای خود را تکرار کرده و از ایران خواستند «کمک به جنگ روسیه در اوکراین را متوقف کند و موشک‌های بالستیک و فناوری‌های مرتبط با آن را انتقال ندهد.»

شهریور پرماجرا

اتهام‌زنی‌ها به ایران اما از اوایل شهریور ماه شکل جدی‌تری به خود گرفت. ابتدا وزارت بازرگانی آمریکا اعلام کرد که محدودیت‌های جدید صادراتی را بر ۱۲۳ نهاد از جمله ۶۳ نهاد در روسیه، ۴۲ نهاد در چین و ۱۱ نهاد در ایران اعمال کرده است. براساس آنچه در اطلاعیه وزارت بازرگانی آمریکا آمده بود برخی از این شرکت‌ها به دلیل آنچه «صادرات کالاهایی برای سودرسانی به صنعت دفاعی یا سرویس‌های اطلاعاتی روسیه» عنوان شده بود تحریم شدند. پس از آنکه روزنامه وال‌استریت ژورنال خبری مبنی بر انتقال موشک‌های کوتاه‌برد ایران به روسیه را منتشر کرد وزارت خارجه اوکراین در روز دوشنبه ۲۰ شهریور کاردار ایران را احضار کرد. این وزارتخانه مدعی شد که درباره عواقب کمک‌های ادعایی موشکی به روسیه به ایران هشدار داده است. نهایتا یک روز بعد از این اقدام اوکراین، وزیر خارجه آمریکا اتهام ارسال موشک به روسیه را رسمیت بخشید و مدعی شد: «روسیه در حال حاضر محموله‌هایی از این موشک‌ها را دریافت کرده است.» او همچنین تهدیدات خود علیه ایران را نیز تکرار کرد و گفت: «ما به صورت آشکار و خصوصی به ایران هشدار داده بودیم که برداشتن این گام (ارسال موشک به روسیه) یک تشدید خطرناک خواهد بود.»

کاسه داغ‌تر از آش اروپایی

هم‌زمان با اظهارات مقامات آمریکایی فرانسه، آلمان و انگلیس از اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران به دلیل ادعای آنچه «ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه» عنوان شده بود، خبر دادند. تروئیکای اروپایی و هلند همچنین نمایندگان دیپلماتیک جمهوری اسلامی در کشورهایشان را احضار کردند. آلمان که در طی چند ماه اخیر اوج تقابل خود با ایران را نشان داده و اجرای حکم جمشید شارمهد، سرکرده گروهک تروریستی تندر را محکوم کرده است در آن موقع نیز به نسبت سایر کشورهای اروپایی در تقابل با ایران فعالانه‌تر عمل کرد. این کشور نخستین گام را برای تحریم هوایی ایران برداشته و روز دوشنبه ۲۰ شهریور اعلام کرد: «شرکت هواپیمایی ایران ایر را تحریم می‌کند.» پس از این تهدیدها تروئیکای اروپایی در روز جمعه ۲۳ شهریور ادعای خود مبنی بر ارسال موشک‌های بالستیک به ایران را تکرار کرده و با انتشار بیانیه‌ای ایران را محکوم کردند. جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز رویکرد تقابلی تروئیکا را تکمیل کرده و اعلام کرد: «اتحادیه اروپا در حال بررسی تحریم‌هایی است که بخش هوانوردی ایران را هدف قرار می‌دهند.» همچنین جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا و کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا نیز با تأکید بر حمایت این دو کشور از اوکراین در مقابل روسیه، درباره آنچه ارسال سلاح مرگبار به روسیه توسط ایران و کره شمالی عنوان شده بود، ابراز نگرانی کردند. ۳ هفته بعد از این جنجال‌ها آنتونی بلینکن ادعای جدیدی را مطرح کرد تا تلویحا دستور دیگری را به اروپا صادر کرده باشد. وزیر خارجه آمریکا ۱۲ مهر پا را از ادعای تحویل موشک به روسیه فراتر گذاشت و مدعی شد ایران در روسیه کارخانه تولید پهپاد ساخته است. پس از این اظهارات اتحادیه اروپا مواجهه خصمانه با ایران را تداوم داده و سه شرکت هواپیمایی ایران ایر، ماهان ایر و ساها را به بهانه ادعای بی‌اساس دخالت ایران در مناقشه اوکراین از طریق ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه تحریم کرد.

اعتراف دوباره زلنسکی

روز گذشته ویدئویی از کنفرانس خبری رئیس جمهور اوکراین در فضای رسانه‌ای بازتاب داده شد. در این ویدئو که مربوط به حدود یک هفته پیش یعنی ۲۸ اکتبر است، زلنسکی اعتراف می‌کند که براساس اطلاعات اوکراین، ایران هنوز به روسیه موشک نداده است. او البته مدعی می‌شود که تهران و مسکو گفت‌وگوهایی جدید برای انتقال موشک داشته‌اند. این درحالی است که ایران بارها اعلام کرده است که هیچ‌گونه موشکی به روسیه نداده و در مورد جنگ اوکراین نیز تأکید بر گفت‌وگو بین طرفین دارد. زلنسکی پیش از این نیز شهریور ماه تلویحا به عدم تحویل موشک از جانب ایران اعتراف کرده بود. درحالی که کشورهای اروپایی به تبعیت از آمریکا بر تحریم هوایی ایران نسخه می‌پیچیدند زلنسکی شهریور ماه امسال اعتراف کرده بود که هیچ شواهدی دال بر انتقال موشک از سوی ایران به روسیه وجود نداشته و او هنوز نمی‌تواند استفاده از موشک‌های ایرانی را تأیید کند. با وجود این اعترافات، وزارت خارجه اوکراین کاردار ایران را فراخواند تا نشان دهد ادعاهایی که مقامات اوکراینی تاکنون بارها در مورد انتقال موشک از ایران به روسیه مطرح کرده‌اند بیش از آنکه موضع خود آن‌ها باشد دستوراتی است که برای تداوم جنگ سیاسی با ایران از جانب آمریکایی‌ها دیکته می‌شود. پس از اعترافات جدید زلنسکی، وزیر خارجه کشورمان با اشاره به این اعترافات اقدام اروپا مبنی بر تحریم شرکت‌های هواپیمایی ایرانی را اقدامی طنزآمیز توصیف کرد که براساس ادعای بی‌اساس انتقال موشک از ایران به روسیه مطرح شده و باید توسط اروپایی‌ها جبران شود. عراقچی در این باره گفت: «هدف قرار دادن مردم عادی ایران بر پایه یک اتهام کاملاً بی‌اساس، کاری غیراخلاقی و اشتباهی آشکار است که باید فوراً جبران شود.»

توجیهی برای تداوم حمایت از جنایت

اینکه ادعای تحویل موشک به روسیه توسط رئیس جمهور اوکراین رد شده اما همچنان جوسازی‌ها پیرامون آن بدون هیچ سند و استدلالی ادامه می‌یابد یعنی از جنجال‌سازی‌های ضدایرانی اهداف دیگری مد نظر است. یکی از این اهداف در واکنش وزیر خارجه ایران مورد اشاره قرار گرفت. عراقچی در توییتی آنچه را که خطاب به انریکه مورا و جوزف بورل طی جلسه‌ای در نیویورک گفته است، این‌گونه تشریح می‌کند: «ما موشک‌های بالستیک به روسیه نداده‌ایم. اگر اروپا نیاز به بهانه‌ای برای کوتاه آمدن در مقابل باج‌خواهی اسرائیل دارد، بهتر است داستان دیگری پیدا کند.» همان‌طور که عراقچی نیز به آن اشاره کرده است: «برخی اروپایی‌ها به رژیم صهیونیستی انواع سلاح‌های پیشرفته را ارائه داده و مشتاقانه در عملیات نظامی علیه ایران شرکت کردند.» چنین حمایت‌هایی از یک رژیم جنایتکار از طرفی واکنش افکار عمومی را در پی داشته و از سوی دیگر به لحاظ اقتصادی نیز به ساکنان اروپا هزینه تحمیل می‌کند. برای خنثی کردن این فضا و تداوم حمایت‌ها از اسرائیل دولت‌های اروپایی تلاش دارند تا جنگ اسرائیل و محور مقاومت را جنگ اروپا نشان دهند. یکی از ابزارها نیز متهم کردن ایران به حمایت موشکی از روسیه است. این فضاسازی رسانه‌ای باعث می‌شود تا آن‌ها با این استدلال که ایران علیه اروپا اقدام می‌کند بتوانند در مقابل مطالبات افکار عمومی خود توجیه بابت حمایت‌های گسترده نظامی از اسرائیل داشته باشند.

مبارزه با غروب تحریم

برای درک دیگر دلیل طرح اتهامات واهی باید به بندهای غروب برجام رجوع کنیم. مطابق بندهای غروب برجام سال گذشته ممنوعیت واردات و صادرات فناوری مرتبط با صنایع موشکی نظیر موشک و پهپاد با برد ۳۰۰ کیلومتر (۱۸۶ مایل) یا بیشتر برداشته شده و سازمان ملل نیز این امر را اعلام کرده است. با این حال ایران هیچ تبادل موشکی را با روسیه نداشته و بارها نیز آن را شفاف بیان کرده است. با این وجود طرف‌های غربی که از لغو تحریم‌های تسلیحاتی ایران به ویژه پس از شدت گرفتن تنش‌ها در منطقه دل خوشی ندارند تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا بتوانند قبل از رسیدن به سال دهم یعنی سال غروب برجام مانع از لغو قطعنامه ضد ایرانی ۲۲۳۱ شورای امنیت شوند. فعالسازی مکانیسم ماشه تنها مسیری است که برای این امر تعبیه شده است. از آنجایی که آمریکا از برجام خارج شده و تروئیکای اروپایی طرف حساب ایران محسوب می‌شوند این کشورها با شدت بیشتری دروغ‌پردازی در مورد تبادل موشکی بین ایران و روسیه را دنبال کرده و به کاسه داغ‌تر از آش تبدیل شده‌اند. این رویکرد اگرچه دستاورد نظامی برای اوکراین در پی نخواهد آورد اما ممکن است بهانه لازم را برای حرکت به سمت نابود کردن برجام برای اروپایی‌ها فراهم آورد. به همین دلیل نیز در بحبوحه اتفاقات ۱۴۰۱ در خیابان‌های ایران رسانه‌ها و سیاسیون غربی با هدف تحت فشار قرار دادن هرچه بیشتر ایران در مجامع بین‌المللی ادعای انتقال هواپیمای بدون سرنشین از ایران به روسیه را مطرح کردند. زلنسکی نیز همسو با این رویکرد خبر جعلی، مدعی انتقال ۴۰۰ پهپاد بدون سرنشین از ایران به روسیه شد. نماینده دائم ایران در سازمان ملل نیز با درک این توطئه چینی در نخستین روزهای طرح ادعای ارسال پهپاد از ایران به روسیه به آن واکنش نشان داد. امیرسعید ایروانی مهر ماه ۱۴۰۱ در یک نشست خبری پس از نشست غیرعلنی شورای امنیت اعلام کرد که «هیچ یک از صادرات تسلیحاتی ایران مشمول قطعنامه شماره ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل در رابطه با شروط توافق هسته‌ای ایران نیست.» قطعنامه ۲۲۳۱ همان قطعنامه‌ای است که در سال دهم برجام یعنی مهرماه ۱۴۰۴ لغو شده و باعث می‌شود محدودیت هسته‌ای ایران لغو شوند؛ چیزی که به مذاق طرف‌های غربی و بدعهد برجام خوش نیامده و حتما برای عدم تحقق آن فعال خواهند شد. این گزاره زمانی اثبات می‌شود که به خاطر بیاوریم کشورهای اروپایی به ویژه پس از قائله ۱۴۰۱ رویکردهای تقابلی خود با ایران را شدت بخشیده‌اند. تداوم بیانیه‌خوانی و اتهام‌زنی به برنامه هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، آشوب‌افکنی در ایران و هم‌زمان طرح ادعای‌های حقوق بشری در سازمان ملل با هدف پشتیبانی سیاسی از آشوب و اخیرا هم موضع‌گیری علنی در حمایت از تروریستی چون جمشید شارمهد توسط آلمان نمونه‌ای از اقداماتی است که تلاش اروپا برای تشدید تقابل با ایران را نشان می‌دهد.

در جلسه شورای شهر و شهردار چه گذشت؟

دعوای سرکاری در خیابان بهشت

مهدی بابایی، عضو شورای شهر تهران: قانون باید فصل‌الخطاب شورای شهر و شهرداری باشد

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه نقد روز

روز گذشته شهردار تهران برای پاسخ به دو سوال در رابطه با ساخت مسکن و خودروهای ون به صحن شورای شهر رفت. ظاهرا با وجود پاسخگویی زاکانی اما کشمکش‌ها میان برخی اعضای شورا و شهرداری تهران ادامه داشته است. سوده نجفی و جعفر تشکری هاشمی دو عضوی بودند که شهردار تهران برای طرح پرسش آن‌ها به صحن شورا رفته بود. مدت‌هاست که صحن شورای شهر تهران به صحنه بگومگوهای طرفداران زاکانی و منتقدان عملکرد او تبدیل شده است. البته ناگفته نماند که در این میان برخی اظهارنظرها از چهارچوب انتقاد و نظارت خارج شده است و تقریبا رنگ و بوی سیاسی‌بازی دارد. ماجرای پیش‌آمده روز گذشته در صحن شورا نیز تقریبا چیزی شبیه به این امر بود و اعضای شورا به جای پاسخگو کردن شهردار تهران در راستای بهبود عملکرد او برای خدمت به مردم کلانشهر، فضای جلسه را به یک فضای متشنج سیاسی تبدیل کردند. این اولین بار نیست که اعضای منتقد زاکانی، مطالبه و نظارت بر عملکرد شهرداری را با سیاسی‌کاری و بیان مواضع سیاسی خود نسبت به شهرداری آمیخته می‌کنند. هرچند در برخی مواقع، منتقدان شهردار تهران نقد صحیحی بیان می‌کنند اما در برخی موقعیت‌ها، مواضع سیاسی خود را نیز به جای نقد و نظارت بر عملکرد شهردار جا می‌زنند. ویترین بیرونی ماجرا برای مردم و رسانه‌ها با توجه به پیشینه حواشی شورای شهر، حالا دیگر جالب نیست و جدی‌ترین انتقاد مردم به این کشمکش‌ها این است که خروجی این ماجراها چه سودی برای مردم و شهر تهران دارد؟

تقریبا می‌توان گفت مسئله اصلی منتقدان زاکانی، عملکرد او با توجه به عدم تخصص وی در حوزه مدیریت شهری است. شورای شهر تهران امروز به دو دسته مخالف و موافق زاکانی تبدیل شده و به جای پیگیری مطالبات مردم، دعوا بر سر ماندن یا رفتن زاکانی است. متاسفانه باید اعتراف کرد نتیجه این رویکرد در افکار عمومی برداشتی به جز نداشتن دغدغه مشکلات مردم نخواهد بود؛ چراکه شورای شهر نهاد ناظر بر عملکرد شهرداری است ولی امروز اعضای شورای شهر تهران به جای نظارت بر عملکرد و انتقاد سازنده از عملکرد شهرداری به دو دسته تشویق‌کنندگان و تقبیح‌کنندگان شهردار تبدیل شده‌اند و مسئولیت شرعی آرای مردم را فراموش کرده‌اند. اکنون باید از هر دو طیف منتقد و موافق زاکانی در شورای شهر پرسید نهایت این کل‌کل‌ها میان شورای شهر تهران و شهرداری چه سودی برای کلانشهر تهران خواهد داشت؟

مهدی بابایی، عضو شورای شهر تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان می‌گوید» که شاید این کشمکش‌ها بیش از حد سیاسی شده باشد. مشروح گفت‌وگو با بابایی را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

حاشیه دیروز شورا چه بود؟

پیرو دو سوالی که مطرح شده بود آقای زاکانی آمدند و به سوالات پاسخ دادند. در مرحله اول که به سوالات خانم نجفی پاسخ داده شد، بعد از ارائه جواب توسط آقای زاکانی، خانم نجفی مجدد یک طیف زیادی از سوالات را مطرح کردند که خارج از سوالات اصلی بود. لذا آقای چمران به خانم نجفی تذکر داد که نکاتی که الان مطرح می‌کنید خارج از سوال مکتوبی است که از شهردار تهران پرسیدید. اما خانم نجفی به صحبت‌هایش ادامه داد و به تذکر رعایت وقت و خارج از سوال اصلی بودن توجهی نکرد. لذا حواشی‌ای ایجاد شد که آقای چمران ناراحت شد و گفتند قطع کنید و خانم نجفی گوش نداد و لذا حاشیه ایجاد شد.

سوالات نجفی پیرو چه موضوعاتی بودند؟

خانم نجفی سوالشان در خصوص این بود که رونمایی آقای زاکانی از واحدهایی که همراه با آقای مخبر در سال گذشته بود، چرا طیفی از این پروژه‌ها پیشرفت فیزیکی نداشته است و این برخلاف حرف‌هایی است که آقای زاکانی روز افتتاحیه داشتند. آقای زاکانی در پاسخ گفت که وظیفه شهرداری ساخت و ساز مسکن نیست، وظیفه شهرداری تسهیلگری در حوزه ساخت و تولید مسکن است تا عرضه مسکن افزایش یابد و قیمت مسکن در تهران تعدیل شود. در توضیحات هم گفتند اگر پروژه‌ای پیشرفت نداشته است مسئولش شهرداری تهران نیست و شهرداری فقط موظف است تسهیلگری در صدور جواز تخریب و نوسازی انجام دهد و وظیفه‌ای در خصوص ساخت مسکن ندارد. چون هیچ عدد و رقمی نه در برنامه چهارساله چهارم به شهرداری تفویض شده است و نه شهرداری در این موضوع دارای بودجه است. لذا نهادهای عمومی و انقلابی و حتی بخش خصوصی رفته جواز گرفته و آن پروژه پیشرفتی نداشته است. پاسخگوی آن شهرداری تهران نیست. در اصل آقای زاکانی گفتند که این سوال خیلی ربطی به وظایف شهرداری ندارد و من نباید پاسخ بدهم. بعد هم گفتند که به نظر ما این تسهیلگری نتیجه داده است و ما در دو سال اخیر شاهد رشد جهشی قیمت مسکن نبوده‌ایم و حتی با افزایش قیمت ۲۰ درصدی ارز و بازار شاهد این هستیم که افزایش قیمت در حوزه مسکن نداشته‌ایم و شهرداری موفق بوده است.

دعواها و چالش‌های اخیر شهرداری و شورا بسیار ادامه‌دار شده است و گویی این وسط تهران فراموش شده. واقعا این بحث و جدل بین شورا و شهرداری چه فایده‌ای برای شهر تهران دارد؟

به هرحال شورا وظیفه‌ای در حوزه نظارت دارد که باید وظیفه‌اش را به درستی انجام دهد. اما شما به نکته درستی اشاره کردید. آیا این کشمکش‌های بیش از حد انتظار منفعتی برای شهر و شهرداری تهران دارد؟ به نظر من هم نه. واقعا این کشمکش‌های بیش از حد شاید یک مقداری سیاسی شده باشد. چون آقای زاکانی اشاره‌ای هم به خانم نجفی کرد و گفت شما بیشتر بیانیه سیاسی خواندید. به هرحال شهرداری باید وظایفی را انجام دهد که شورا در سیاست‌هایش ابلاغ کرده است. یکی برنامه چهارساله چهارم و یکی دیگر برنامه سالیانه است که به شکل برنامه و بودجه ابلاغ می‌شود؛ همچنین جذب درآمد و پیشرفت پروژه‌ها براساس بودجه‌ای که شورا مصوب کرده است و به نظر من در این موارد قانون باید فصل‌الخطاب باشد. شهرداری این حوزه را پاسخگو باشد و خارج از این درست نیست. البته نکته ما در اداره شهر باید این باشد که هم شورا با سیاستگذاری و ریل‌گذاری درست و هم شهرداری با اجرای درست مصوبات هردو دست به دست هم بدهند و شاهد پیشرفت شهرمان باشیم. اینکه انتظار داشته باشیم شهرداری به تنهایی این موضوع را محقق کند شاید بی‌انصافی باشد. البته متاسفانه معدود اعضایی را هم داریم که همراهی لازم را ندارند و به جای اینکه از وقت شورا برای سیاستگذاری یا نقدسازنده استفاده کنند بیشتر به تلف کردن وقت شورا و شهرداری و مردم و به مسائل حاشیه‌ای می‌پردازند.

به نظر شما چه روندی از سوی شهرداری و شورا در پی گرفته شود برای تهران بهتر است؟ به خصوص درباره مسائلی که آقای زاکانی پیگیر آن هستند و مردم در آن چالش دارند. مسائلی مانند حمل نقل عمومی، مترو، بی‌آرتی و اتوبوس‌ها، آلودگی هوای تهران و حتی بحث فرونشست‌ها هم در برخی محلات تهران مطرح است. این مسائل را ناظر به این موضوع ببینید که چند ماهی هم از عمر این شورا و شهرداری بیشتر نمانده است.

ببینید به هرحال شورای ششم و مدیریت شهری ششم، استراتژی محوری‌اش را بحث توسعه حمل و نقل عمومی پاک گذاشته بود. این استراتژی هم براساس طرح جامع شهر تهران است. یعنی ما باید بتوانیم تعداد اتوبوس‌هایمان را به آن نقطه مطلوب برسانیم. به هرحال در طرح جامع شهر تهران ۹ هزار اتوبوس به عنوان نقطه مطلوب پیش‌بینی شده است. ما در ابتدای امر که در شورای ششم شهر را تحویل گرفتیم متاسفانه این تعداد یک یا دو دهم وضعیت مطلوب بود و یک عقب‌ماندگی ویژه در این موضوع و حتی تعداد واگن‌های مترو داشتیم. لذا شهرداری هم پیرو مصوبات شورا حمیت خود را در تأمین واگن و اتوبوس و همچنین توسعه ایستگاه‌ها گذاشت. تا الان حدود ۱۹ ایستگاه جدید در این دوره به بهره‌برداری رسیده است. قرارداد واگن‌ها و همچنین اتوبوس‌های برقی از خارج از کشور و همچنین اتوبوس‌های داخلی بسته شده است. قرارداد حدود ۳ هزار دستگاه داخلی و ۲۵۰۰ اتوبوس برقی و همچنین ۲۵ هزار تاکسی برقی بسته شده است که مجموعا بتوانند به وضعیت حمل و نقل عمومی کمک کنند. ما باید در این حوزه تمام دغدغه‌مان این باشد که مدیریت شهری بتواند به اهداف خودش برسد و قاطبه شورا هم این روند را پیگیری می‌کنند اما متأسفانه کارشکنی‌هایی هم در این موضوع شکل می‌گیرد. در حال حاضر حدود ۱۳۰۰ دستگاه نو داخلی به شبکه اضافه شده است و مقرر است بقیه هم اضافه شود اما چون خودروساز داخلی توان بیش از این را در تولید ندارد این مجوز از دولت سابق گرفته شد تا ما نسبت به واردات اقدام کنیم اما باز هم یک سری کارشکنی‌ها انجام شد که حواشی شکل گرفت و یکی از دلایلی که باعث شد من عکس‌العملی در این موضوع داشته باشم همین بود. امیدواریم مردم با رصد این فعالیت‌ها و مطالبه به حق به ما کمک کنند که کار را به نتیجه برسانیم.

برگزاری جشن انتصاب معاون وزیر ورزش در تالار عروسی با واکنش‌های منفی زیادی همراه شد

عروسی کاری

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

نمی‌شود گفت در هیچ دوره‌ای از فعالیت دولت‌ها و انتصابات در سطح معاون و حتی وزیر حاشیه و جنجال همراه آن نبوده است. انتصابات فامیلی، زدوبندهای سیاسی و افشاگری‌های توییتری از این انتصابات بخشی از این حواشی بودند. اساسا تکرار این اتفاقات در همه ادوار دولت‌ها، روی روان مردم انباشته شده و منجر شده این تصور ایجاد شود که در انتصابات دولتی بیش از شایستگی وابستگی جناحی و البته فامیلی اهمیت دارد. به همین خاطر نیز در روزهای ابتدایی آغاز به کار دولت چهاردهم، دولت تلاش کرد تا این تصویر را در میان افکار عمومی جا بیندازد که مبنای انتصابات شایستگی افراد و حتی سمت دادن به افراد متخصصی است که در سال‌های اخیر کمتر در مناسب مدیریتی حضور داشتند. این روزها اما بعد از انتصاب معاون امور جوانان وزیر ورزش، تصاویری از یک جشن در حال بازنشر است که گفته می‌شود به خاطر انتصاب علیرضا رحیمی به عنوان معاون امور جوانان وزیر ورزش برگزار شده است، فارغ از اینکه شکل برگزاری مراسم با واکنش افکار عمومی مواجه شده، سوال اساسی این است که چرا یک معاون وزیر به خاطر انتصاب در مسئولیت جدید باید جشن برگزار کند؟

حاشیه‌های انتصاب تازه وزیر ورزش

اوایل آبان ماه بود که احمد دنیامالی، وزیر ورزش علیرضا رحیمی را به سمت معاون امور جوانان وزارت ورزش منصوب کرد. رحیمی، پیش از این مدیرعامل سازمان ورزش، مدیر باشگاه تراکتورسازی تبریز و مدیر سلامت و امور اجتماعی شهرداری تبریز بوده است و تخصصش هم در حوزه طب فیزیکی و توانبخشی است. انتصاب او به این سمت واکنش‌های زیادی به همراه داشت. برخی معتقد بودند که سابقه و تخصص رحیمی ارتباط چندانی با سمتی که در آن منصوب شده ندارد. انتصاب فامیلی رحیمی با معاون پارلمانی رئیس جمهور نیز حاشیه دیگری است که این انتصاب به همراه داشته برمبنای آنچه برخی رسانه‌ها منتشر کردند علیرضا رحیمی، برادر داماد شهرام دبیری، معاون پارلمانی رئیس جمهور است و علاوه بر این هم گفته می‌شود که برادر علیرضا رحیمی نیز به عنوان دستیار معاون پارلمانی رئیس جمهور منصوب شده است. طبیعی است که افکار عمومی با توجه آنچه درمورد این انتصاب منتشر شده واکنش منفی نشان دهند و زدوبندهای سیاسی و البته فامیلی را در این انتصاب پررنگ ببینند. مجموع این موارد منجر شد تا در حالی که در این مدت وزیر ورزش چند معاون جدید را منصوب کرده بود اما انتصاب معاون امور جوانان بیش از همه حاشیه‌ساز باشد. البته از روزهای ابتدایی تشکیل دولت انتصابات در دولت حواشی زیادی به همراه داشته است. انتقاد برخی رسانه‌های اصلاح‌طلب به انتصاب برخی استانداران که به گفته آنها از جناح رقیب بودند از جمله این موارد است.

لطفا هیزم آتش بی‌اعتمادی نشوید

ماجرا اما به همین جا ختم نشد در یکی دو روز اخیر تصویری از برگزاری یک جشن در تبریز که معاون امور جوانان وزیر ورزش هم در آن حضور دارد، منتشر شد. واقعیت اما این بود که این جشن اساسا به خاطر انتصاب جدید معاون وزیر در سمت جدید برگزار شده بود. جشن انتصاب جدید حاشیه دیگری بود که این انتصاب به همراه داشت و همین امر هم منجر شد تا برگزاری این جشن در فضای مجازی بازتاب زیادی پیدا کند. طبیعی بود که واکنش‌ها نسبت به برگزاری یک جشن آن هم به خاطر منصوب شدن در سمت تازه چندان خوشحال‌کننده نیست. در خصوص این انتصاب و البته حواشی اخیر آن اما می‌بایست چند نکته را مورد توجه قرار داد، نکته اول اینکه بارها به این موضوع اشاره شده که اگر جامعه تصویری از زندگی لوکس و تجمل‌گرایی یک مسئول دولتی را ببیند، آن را به سرعت به کل تعمیم می‌دهد و تصور می‌کند این شیوه زندگی تمام مقامات دولتی است، در چنین فضایی ترمیم این تصویر کار ساده‌ای نیست. در شرایط فعلی کشور و با توجه به توالی اتفاقات رخ داده در فضای سیاسی کشور و اشتباهات و کوتاهی‌هایی که از جانب برخی سیاسیون رخ داده شکاف میان مردم و مسئولین روزبه‌روز در حال عمیق‌تر شدن است. در این فضا اتفاقات منفی و کوتاهی‌ها و نقص‌ها بیش از اقدامات مثبت دیده می‌شود، امری که نشان می‌دهد ترمیم این اعتماد ازدست‌رفته کار ساده‌ای نیست. در چنین شرایطی برگزاری یک جشن آن هم به خاطر یک انتصاب مثل هیزمی در آتش این بی‌اعتمادی عمل می‌کند و آسیب آن دامن تمام مسئولان را می‌گیرد.

از کنار این اتفاق ساده عبور نکنید

در این شرایط اگر برداشت افکار عمومی برمبنای آن الگوی همیشگی که مدیران تنها به دنبال کسب قدرتند و برای مشکلات مردم اهمیتی قائل نیستند، اصل قرار گیرد، برگزاری جشن انتصاب به آن صحه می‌گذارد، آن هم اگر قرار باشد با عینک واقع‌گرایی به مشکلات و مسائل مردم نگاه کنیم. برهمین مبنا برگزاری جشن انتصاب هم در این قالب قرار می‌گیرد و این احساس را باشدت بیشتری به مخاطب القا می‌کند. در غیر این صورت اساسا برگزاری یک جشن برای انتصاب تازه محلی از اعراب ندارد. نکته دیگر اشاره رسانه‌ها به ارتباط فامیلی، معاون وزیر با معاون پارلمانی آن است، این ماجرا در کنار دیگر حواشی که از حضور برخی اقوام و وابستگان مقامات دولتی منتشر شده، زنگ خطر برای توجه به این موضوع را مورد توجه قرار می‌دهد. موضوع مهمی که باید به آن توجه داشت این است که در انتصابات دولتی و مسئولیت‌هاشان دولت را باید نگه داشت، برگزاری جشن‌های اینچنینی رفتاری نیست که برمبنای شانیت رفتار یک مقام دولتی باشد. موضوع دیگر اینکه دولت در روزهای ابتدایی اساس کار خود را بر ترمیم شکاف‌ها و گسل‌های اجتماعی متمرکز کرده است و در این مسیر هم انتصاباتی در این راستا انجام داده است. باید توجه داشت که تلاش برای رعایت این نگاه و زاویه دید در همه سطوح دولت بیش از انگیزه ابتدایی اهمیت دارد؛ چرا که اگر اقداماتی از جانب دولتی‌ها انجام شود که درست در نقطه مقابل این دیدگاه و نظر باشد آسیبی دوچندان به جامعه وارد خواهد کرد. در همین چهارچوب اتفاقاتی همانند این جشن می‌تواند به ضد ایده اصلی دولت تبدیل شود و آسیب آن را متوجه دولت کند، امری که انتظار می‌رود دولت از کنار آن ساده نگذرد و افکار عمومی رها نشود، ورود جدی وزیر ورزش به این ماجرا و برخورد و پاسخ به افکار عمومی می‌تواند بخشی از این ماجرا را حل کند. نکته مهمی که نباید از آن غفلت کرد این است که مهم‌تر از ناراحتی و خشم افکار عمومی نسبت به اتفاقات اینچنینی بی‌تفاوتی و برخورد سرد جامعه نسبت به این اتفاقات است، امری که این گزاره را تقویت می‌کند که آن‌ها برمبنای این الگو که شکافی عمیق میان سبک زندگی مردم و مسئولان وجود دارد از کنار آن عبور می‌کنند. موضوعی که بهتر است دولت از روزهای ابتدایی فعالیت به آن توجه کند و حداقل جلوی اقدامات و رفتارهای شاذی که منجر به بیشتر شدن این شکاف می‌شود، بگیرد تا اعتماد مردم به دولت جدید راتحت‌الشعاع قرار ندهد.